



تفسیر قرآن مجید

سوره فرقان

آیه ۲

# فرمانروای مطلق هستی

الواع چهارگانه شرک همه محکوم است

۲ - الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَتَمَّ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي -  
الْمَلِكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا

مکتب اسلام

خدائی که برای او است مالکیت آسمانها و زمین ، و هرگز برای خود فرزندی انتخاب نکرده است ، و در فرمانروائی بر جهان ، برای او شریکی نیست . همه پیروز آفریده و آنها را اندازه گیری نموده است .

و خدایت و یگانگی خدا ، و محکومیت هر نوع ثبوت و دوگانگی پرستی ، و حکومت و فرمانروائی هر موجودی جز خدا ، از معارف اصلی قرآن مجید است ، و دیگر معارف اصول فلسفی و عقیدتی آن . بر این اساس استوار می باشد ، و هر نوع انحراف جزئی و کوچک در این اصل ، مایه انحراف در دیگر اصول اسلام است .

از این جهت قرآن زوی هیچ مسأله ای به اندازه موضوع یگانگی و حاکمیت مطلق خدا ، بر مجموع بیته هستی ، نگه نمی کند و به بحث نمی پردازد .

یکی از خصایص روشن قرآن این است که برخلاف پندار برخی ، معارف اصول فکری و عقیدتی را ، همراه با دلیل ، مطرح می کند و در بیان معارف و اصول ، قیافه و تمیز به خود نمی گرداند تا پیروان مکتب خویش آنرا به صورت اصل مسلم هر چند علت و حقیقت آن را نقل نکنند پذیرند ، بلکه به شیوه خاصی سخن می گوید که با دقت در جمله های قبل

و بعد ، و تدریج در زمینه کارهای آیه ، دلایل اصولی و معارفی را که مطرح می کند ، روشن می گردد . مثلا در آیه مورد بحث ، سومین ( ۱ ) مطلب را که پیرامون یگانگی و بی همتائی اوست ، و همراه با دلیل مطرح می کند .

در نظریات دینی انسان تصور می کند که قرآن این اصل اساسی اسلام را ، در این آیه به صورت یک امر مسلم یاد آور شده و آنرا با دلایل و برهان همراه ساخته است ، در صورتی که اگر در جمله های پیش از آن بگردیم ، خواهیم دید که نخستین جمله آیه ، که مفاد آن ، همان مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی است ، می تواند گواه محکم بر نفی هر نوع شرک و همتا برای خدا باشد . و ارتباط و مالکیت مطلق خداوند با نفی شرک و همتا ، با در نظر گرفتن دو مطلب به خوبی روشن می گردد :

۱ - شرک دوگانه پرستی دارای مراحل است که برخی از آنها از دایره اندیشه تجاوز نکرده و شاید در جهان بیرو فلسفی نداشته باشد به عنوان

الف - شرک در ذات خدا در سراسر « توحید ذات » ، مفهومی « توحید ذات » این

است که ذات جدا یکی است و تعدد بر نمی داند . در برابر آن ، تعدد و شرک در ذات این است که برای ذات جدا ، همتائی فرض کنیم ، در این مرحله و همچنین مرحله بعد مشرکان شبه جزیره یا پیامبر اسلام اختلاف داشتند ، اختلاف و سرسختی آنها در مراحل سوم و چهارم بود که یاد آوری می کنیم .

ب - شرک در خلقت و آفرینش آسمانها و زمین به این معنی که جهان مخلوق دو آفریدگار مستقل باشد که هر کدام مستقلا گوشه ای از جهان را آفرینده است و یا با همکاری هم ، عالم آفرینش را پدید آورده باشند در این مرحله مشرکان عصر رسالت ، با پیروان مکتب توحید همگرو همگام بودند یعنی اینکه شرک را قبول نداشتند و قرآن مجید به این مطلب تصریح می کند و می فرماید :

« وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ (سوره لقمان آیه ۲۵) : اگر از آنان بپرسی که آسمانها و زمین را که آفریده است همگویی می گویند : خدا ( ۲ ) بنا بر این مشرکان عرب در این دو مرحله با اهل توحید هم عقیده بودند ، بلکه شرک مشرکان مخصوصا در آئین مجوس ، مربوط به تدبیر جهان آفرینش بود که تصور می کردند

( ۱ ) درباره دواصل دیگر که همان مالکیت خداوند بر آسمانها و زمین ، و نداشتن فرزند است ، در شماره پیش به طور گسترده سخن گفتیم و هم اکنون در این شماره پیرامون اصل سوم از اصول پنجگانه ای که آیه متذکر آن است ، بحث و گفتگو میکنیم .  
( ۲ ) مضمون این آیه در سوره های عنکبوت آیه ۶۱ و آیه ۶۳ و سوره زمر ، آیه ۳۸ ، و سوره زخرف آیه ۶۹ و آیه ۸ آمده است .

برخی از موجودات جهان ، تدبیر بخشی از جهان را بر عهده گرفته اند ، هر يك از این خدایان بر بخشی از جهان تسلط و استیلا دارند و خداوند تدبیر بخشی از جهان و همه آنرا ، به عهده آنان گذاشته است .

برخی دیگر که از این طبقه کمی روشنتر بودند در این مرحله نیز سخنی نداشتند و شرك آنان منحصرأ در موضوع عبادت و پرستش بود و برای تقرب به درگاه الهی ، اجسامی را عبادت می کردند که آنان را به درگاه خدا ، نزدیک سازند ، گویا در خود چنین شایستگی احساس نمی کردند که خدا را بدون واسطه پرستند .

قرآن مجید در برخی از آیات به این نوع شرك که زمان نزول قرآن دواج کامل داشت اشاره می کند و می فرماید :

« مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُوا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى »  
 زمر آیه ۳ « آنان را از این جهت می پرستیم که ما را به درگاه خداوند نزدیک سازند » .

\*\*\*

۲ - مطلب دیگری را که باید در نظر گرفت این است که مفسر و از مالکیت خدا بر پهنه هستی و یا به تعبیر قرآن مالکیت او بر آسمانها و زمین چیست؟ مالکیت خدا بر پهنه هستی از این نظر است که خدا آفریدگار آنها است ، بر همه آنها جامه هستی پوشانیده است در این صورت خداوند بر تمام جهان آفرینش استیلا و تسلط کامل خواهد داشت ، و لازمه چنین تسلط ، این است که تدبیر آن با خدا باشد نه

با موجود دیگری .

اکنون می برسیم هفتم از فرض شرك برای خدا چیست اگر شرك در ذات و یا شرك در امر خلقت آسمانها و زمین است این نوع شرك مورد نظر مترکان عرب نبوده است لابد مقصود شرك در تدبیر جهان آفرینش است در صورتی مالکیت خدا بر جهان از طریق خلق و ایجاد که مستطرد تسلط کامل و استیلا بر همه جانبه او بر جهان است او را از اتخاذ هر نوع شریکی که نشانه عجز و ناتوانی است ، بی نیاز ساخته است .

قرآن مجید برای ابطال شرك به صورت چهارم که شرك در عبادت و پرستش برخی از موجودات است در برخی آیات باز مالکیت خدا را بر پهنه هستی ، دلیل بر آن می گیرد که پرستش غیر خدا صحیح نیست .

زیرا هرگاه آفریدگار آسمان و زمین او است و خالق در جهان جز او نیست پس همه موجودات عالم ، از موجودات سرچشمه گرفته است و همگی به آن نیازمند هستند در این صورت ولی نعمتی که شایسته سپاس و ستایش باشد جز او نخواهد بود تا آنرا ستایش کنیم قرآن به این نحو از استدلال در برخی از آیات اشاره نموده و می فرماید : **إِلَىٰ وَجْهِهِ يَلْبَسُونَ لِيَلْبَسُوا مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ حَنِيْفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ** (سوره انعام آیه ۷۹) « من تنها رو به آن کسی می کنم که آسمانها و زمین را آفریده ، و از آئین توحید پیروی می کنم و از مشرکان نیستم .

بله در صفحه ۱۱

(فصلت - ۲۰) : «چون به کنار آتش دوزخ برسند گوش و چشم و پوست تن آنها برضد آنها گواهی می دهند»

این شباهت عجیب در میان این دو دادگاه نشانه دیگری بر فطری بودن این مسأله است زیرا چگونه می توان باور کرد در وجود يك انسان که قطره کوچکی از این اولیائوس عظیم هستی است چنان حساب و کتاب و دادگاه مرموز و اسرار آمیزی وجود داشته باشد اما در درون این عالم بزرگه مطلقاً حساب و کتاب و دادگاه و محکمه ای وجود نداشته باشد این باور کردنی نیست .

بنابر این از سه راه ، فطری بودن ایسان به زندگی پس از مرگ را می توان اثبات کرد :

از طریق غریزه عشق به بقا ، و از راه وجود و ادما این ایمان در طول تاریخ بشر ، و از طریق وجود نمونه کوچک دادگاه رستاخیز در درون وجود انسان

افروخته میشود و از آنجا به بیرون سرایت میکند ، نفست روح انسان را می آزادد سپس آتارش در جسم و چهره و خواب و خوراک او آشکار میگردد ، همانطور که در باره دادگاه قیامت نیز می خوانیم :

لَقَدْ أُنزِلَ مِنَ الْمُوقَدَةِ الَّتِي كُطِّعَ عَلَى الْأَفْنِيَةِ (همزه - ۷۰۶) «آتش بر افروخته الهی که از قلبها زبانه میکشد» ۱۱

۵ - این دادگاه وجدان چندان نیاز به ناظر و شهود ندارد و در صورت لزوم دست به خارج از وجود انسان دراز نمیکند بلکه معلومات و آگاهیهای خرد انسان را به عنوان شهود به نفع یا برضد او می پذیرد . همانطور که در دادگاه رستاخیز نیز ذرات وجود انسان حتی دست و پا و پوست تن او گواهان بر اصال او هست : حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ

بقیه از صفحه ۶ تفسیر قرآن مجید

و در آیه دیگر می فرماید

«قُلْ أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي مَخْلُوقٌ مِنْ طِينٍ» و «الْأَرْضِ»

آیا جز غدا کسی را ولی خویش بدانم در حالی که جز او آفریننده آسمانها و زمین نیست .

بنابر این از این که خدا آفریننده آسمانها و زمین و مالک بهینه هستی است و بر عالم خلقت تسلط و استیلا دارد ، گواه بر آن است که هرگز برای او شریکی در تدبیر جهان خلقت نیست .

و باز از اینکه خالقیت آسمانها و زمین مستلزم آنست که سرچشمه تمام هستی او باشد و ولی و سرپرستی جز او تصور نشود ، باید در ستایش و پرستش جز او را نپرستیم :

نتیجه این می شود که :

جملة «لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» : برای او است فرمانروائی آسمانها و زمین ، گواه و دلیل بر جمله «ولم يكن له شريك في الملك» (برای او در تدبیر جهان شریکی نیست) ، می باشد .